

علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه کننده به دادگاه خانواده: یک مطالعه کیفی

A Qualitative Study for Investigating the Reasons of Sexual Infidelity of Couples who have Asked for Divorce in Family Court

M. Habibi Askarabad, Ph.D.

دکتر مجتبی حبیبی عسگرآباد

استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

Z. Hajiheydari, M.A. ✉

زهرا حاجی حیدری ✉

کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبایی

دریافت مقاله: ۹۲/۸/۴

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۵/۲۸

پذیرش مقاله: ۹۴/۶/۱

Abstract

We studied the reasons of couples' sexual infidelity in family courts. As such, 42 participants were selected with a purposive sampling method and were interviewed through a semi-structured interview, juridical testimonies, and also interviewed by judges in charge for the case in order to find out why they had had extra marital sexual relationships. Finally, data were analyzed with conventional content analysis.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی علل خیانت از دیدگاه زنان و مردان مراجعه کننده به دادگاه خانواده بود. بدین منظور در قالب یک طرح کیفی، ۴۲ نفر از مراجعه کنندگان به دادگاه خانواده، به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند و با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته، بررسی اسناد موجود و مصاحبه با قاضی مورد مطالعه قرار گرفتند و در نهایت، داده های حاصل از آن ها با استفاده از روش تحلیل محتوای عرفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

*این پژوهش با استفاده از اعتبارات قطب علمی خانواده ایرانی اسلامی دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.

پست الکترونیکی: hajiheydari901@st.atu.ac.ir

✉ Corresponding author: Dept. of Psychology, Allame Tabatabai University, Tehran, Iran.
Email: hajiheydari901@st.atu.ac.ir

Results illustrated that the three main factors of sexual infidelity were interpersonal, spousal, and social relationships. It was hard to infer that real sexual intimacy solely could explain application for divorce. In addition, findings indicated that men react to the sexual infidelity aggressively and sued for divorce but women had intertwined behaviors.

Meanwhile, women apply for divorce after 6 months, providing evidence that the sexual infidelity has repeated. This underlines the fact that providing marital consultation before marriage help couples in order to avoid marriage break up later. So, is seems necessary in legal proceedings to take steps to understand the phenomenon in a social context and provide better social health services.

Keywords: Infidelity, Extra-Marital Relations, Divorce.

نتایج پژوهش حاکی از آن بود که سه عامل مسائل بین فردی، روابط همسران و جامعه، اصلی‌ترین علل خیانت از دیدگاه زنان و مردان هستند، در حالی که هیچ یافته‌ای مبنی بر تصمیم به جدایی، به علت خیانت عاطفی صرف، مشاهده نشد. علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد که راهبرد اصلی مردان در مقابل خیانت همسر، خشونت و تصمیم به جدایی است، در حالی که این راهبردها در مورد زنان طیف وسیع‌تری را در بر می‌گرفت و آن‌ها با تکرار خیانت جنسی همسر، بعد از گذشت حداقل شش ماه تصمیم به جدایی می‌گرفتند. نتایج این پژوهش، با بیان این که می‌توان با مشاوره پیش از ازدواج گامی در راستای کاهش خیانت برداشت، بر اهمیت جامعه در بروز این پدیده تأکید می‌کند. بنابراین، انجام اقداماتی از طرف مسئولین در جهت سلامت جامعه ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: خیانت، روابط فرا زناشویی، طلاق.

مقدمه

آمار رسمی ازدواج و طلاق منتشر شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور و نتایج پژوهش میرزائی (۱۳۸۰)، نشان می‌دهند که در ایران طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی، شاخص نسبت طلاق به ازدواج، کاهش و در اواسط دهه ۱۳۶۰ افزایش یافته است. نسبت طلاق به ازدواج در کل کشور طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ مجدداً با روند رو به افزایش روبه‌رو بوده است و طلاق در دهه هشتاد نیز، روندی کاملاً صعودی داشته است (کلانتر، ۱۳۹۰). طبق آمار موجود در سایت ثبت احوال کشور، این روند همچنان رو به افزایش می‌باشد.

یکی از عوامل آسیب‌زا در ساختار و ثبات خانواده، مسئله روزافزون روابط فرا زناشویی است (سهرابی و رسولی، ۱۳۸۷). طبق نتایج فونگ، ونگ و تام (۲۰۰۹) بین خیانت زناشویی^۱ و تعارضات^۲ زناشویی، رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که روابط فرازناشویی، یکی از مهم‌ترین تهدیدها برای

ثبات روابط زناشویی و از عمده‌ترین دلایل طلاق در فرهنگ‌های مختلف محسوب می‌شود. (هرتلین، تچل و پاپرسی، ۲۰۰۵؛ نایت، ۲۰۱۰؛ محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰).

این پدیده در جوامع و فرهنگ‌های مختلف، به اشکال گوناگون تعریف شده است و هر زوج بنا به تعهدی که در رابطه خویش با یکدیگر بنا نهاده‌اند، نگرش و تعریف خود را دارند (زولا، ۲۰۰۷). هم‌چنین با توجه به پژوهش‌های مختلف، بیشتر افراد، انتظار تک همسری در روابط جنسی و پرهیز از روابط نامشروع را از همسران خود دارند؛ به طوری که در پژوهشی ۹۷٪ از پاسخ‌گویان بیان کرده‌اند که افراد متأهل نباید در روابط نامشروع شرکت نمایند (جانسون و همکاران، ۲۰۰۱؛ سودانی، ۱۳۹۱). بنابراین پژوهشگران اسامی و تعاریف مختلفی برای این پدیده در نظر گرفته‌اند، اما جنبه مشترک همه آن‌ها، پنهانی بودن آن است (ویتلی، ۲۰۰۳). پیتمن (۱۹۸۹) خیانت را هر نوع رابطه جنسی یا عاطفی مخفیانه و خارج از قواعد زناشویی در نظر می‌گیرد.

کاپلان و سادوک (۲۰۰۷) آن را ارتباط جنسی با شخص سوم خارج از روابط زناشویی می‌دانند. نایت (۲۰۱۰) حیطه گسترده‌تری را قائل می‌شود و آن را داشتن رابطه جنسی یا عاطفی یا اینترنتی و یا ترکیبی از آن‌ها می‌داند. به عبارت دیگر، بر مبنای تعریف گروهی، منحصرأ رابطه جنسی با فردی غیر از همسر را رابطه فرا زناشویی می‌نامند. اما لازم نیست تنها رابطه جنسی انجام گیرد تا بتوانیم رابطه‌ای را در این مقوله قرار دهیم، بلکه هر ارتباطی با فرد غیر هم‌جنس، که از همسر پنهان شود، یک رابطه فرا زناشویی محسوب می‌شود (وایدرومن و آلگیر، ۲۰۱۱).

افراد بنا به دلایل مختلفی از جمله: کنجکاوی، تنوع‌طلبی، انگیزه تجربه کردن، مبارزه با ناکارآمدی و کسب اعتماد به نفس، سرگرمی، گریز از واقعیت، مشکلاتی در رابطه با صمیمیت، انتقام و کنجکاوی جنسی، وارد روابط فرا زناشویی می‌شوند (اتوود و سیفر، ۱۹۹۷). گلس و رایت (۱۹۹۹) چهار عامل جنسی، هیجانی، انگیزه پیشرفت و عاشق شدن را به عنوان علل خیانت نام می‌برند. براون (۲۰۰۱) نیز در پژوهش خود از عللی مانند: اجتناب از تعارض، آشیانه خالی^۳ و اعتیاد به عادات ناهنجار جنسی نام می‌برد.

فیشر (۲۰۰۷) نیز، به جلب توجه، قدرت طلبی، اثبات مردانگی و زنانگی و اثبات جذابیت به عنوان علل خیانت اشاره می‌کند. در نهایت گلسر (خوش‌نیت و برازنده، ۱۳۹۰) تجربه مجدد صمیمیت فردی و جنسی را مهم‌ترین انگیزه زن و مرد متأهلی می‌داند که به سوی روابط نامشروع کشیده می‌شوند؛ چیزی که دیگر آن را در زندگی مشترک‌شان نمی‌یابند. بنابراین جذابیت روابط نامشروع به این دلیل است که هیچ یک از طرفین، سرزنش و شکوه نمی‌کنند.

طرحواره‌ها نیز در بررسی علل روان‌شناختی طلاق‌هایی که به دلیل خیانت صورت می‌گیرند، از اهمیت ویژه برخوردارند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹). پلاتز، تاپسون و ماسون (۲۰۰۵) به بیان وجود رابطه بین طرحواره‌های توصیف شده به وسیله بک و نمودهای دلبستگی پرداخته‌اند. روزبلیت، السن،

دیویس و هانان (۲۰۰۱) با در نظر گرفتن نظریهٔ دلبستگی به عنوان یک قاعده، بیان می‌کنند که وقتی میزان رضایت بالا و انتخاب و امکان بالقوه کم باشد، افراد بیشتر وابسته به ارتباطات‌شان می‌شوند. افزایش وابستگی، موجب بالا رفتن تعهد می‌شود و در نتیجه، فرد به ادامهٔ ارتباط تمایل بیشتری دارد.

تعهد، عامل اساسی برای رسیدن به ثبات و موفقیت در زندگی است. مشاهدات بالینی و مطالعهٔ تجارب صدها زوج، اهمیت تعهد را در تشکیل، تحکیم و رضایت زناشویی واقعی، نشان می‌دهند (نیکولز، ۱۹۸۸؛ نیکولز و اورت، ۱۹۸۶). بنابراین عدم تعهد نسبت به رابطه که معمولاً از طرف مردان صورت می‌گیرد یا آغاز می‌شود (لواندسکی و آکرمن، ۲۰۰۶؛ اشنایدر، باکوم و گاردن، ۲۰۰۷؛ پلات و همکاران، ۲۰۰۸)، می‌تواند منجر به نارضایتی همسر و طلاق گردد (کاوه، ۲۰۰۸).

همسران در ابعاد عاطفی، روانی و جسمانی در برابر خیانت واکنش نشان می‌دهند (بهرامی و رضوان، ۱۳۸۶). خیانت میان همسران مشکل‌ها و آسیب‌های خاص خود را در میان اعضای خانواده، افراد وابسته و سایرین به وجود می‌آورد و اغلب زوج‌ها مصونیت چندانی در برابر این آسیب یا اختلال ندارند. در این میان، بیش‌ترین آسیب متوجه همسری است که مورد خیانت قرار گرفته و پس از آن، فردی که اقدام به خیانت نموده است. اما همان‌طور که قبلاً ذکر شد، فرزندی که شاهد کشمکش‌ها، قهرها و ناآرامی‌های پس از بی‌وفایی و خیانت هستند، نیز از عوارض مشکل‌آفرین و آسیب‌زای آن به نوعی صدمه می‌بینند.

بی‌وفایی و خیانت، نوعی اختلال و بیماری در رفتار است. زیرا با توجه به عوارض ناپه‌نجا و نامطلوبی که به همراه دارد، آسیب‌ها و مشکلات مختلفی را برای هر یک از افراد دیگر ایجاد می‌نماید (کاوه، ۱۳۸۷). کانو، کریستین، هرپن، و آوری - لف (۲۰۰۲) نیز با مطالعهٔ زندگی زنانی که فشارهای شدید زناشویی مانند خیانت، بدرفتاری و تهدید به طلاق را تجربه کرده‌اند، به این نتیجه رسیدند که اختلافات خانوادگی، افسردگی و از هم پاشیدن خانواده یکی از پیامدهای رایج در چنین شرایطی است.

بنابراین با توجه به نتایج پژوهش‌ها (باس، ۱۹۹۷؛ هرتلین، تچل و پایرسی، ۲۰۰۵؛ اسپیکفورد و همکاران، ۲۰۰۸؛ اشنایدر، باکوم و گاردن، ۲۰۰۸؛ فونگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ نایت، ۲۰۱۰؛ صالح صدق‌پور، ۱۳۷۷ و محسن‌زاده، ۱۳۹۰)، خیانت از علل اصلی تعارضات زناشویی و طلاق محسوب می‌شود؛ با این وجود، در ایران فقر پژوهش در زمینهٔ علل خیانت وجود دارد و همان‌طور که شعاع-کاظمی و مؤمنی‌جاوید (۱۳۹۰) بیان می‌کنند، در کشور ما تحقیقات علمی مستدل بسیاری دربارهٔ خیانت و علل و عوامل آن صورت نگرفته است و آمارهایی هم که بیان شده است، نتیجهٔ تجارب کلینیکی و مشاوره‌ای روان‌شناسان و متخصصان می‌باشد.

در نتیجه، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی این موضوع در بافت فرهنگی - اجتماعی شهر تهران می‌باشد که از دیدگاه زنان و مردان خیانت کرده و مورد خیانت واقع شده، چه عواملی موجب خیانت بوده است؟ منظور از خیانت در این پژوهش، عمل نکردن به تعهد بیان شده پیرامون رابطه جنسی و عاطفی با همسر (نایت، ۲۰۱۰)، در نظر گرفته شده است.

طرح پژوهش

در راستای توضیح چرایی انتخاب روش کیفی می‌توان بیان کرد، فرمول اساسی اتخاذ روش در یک پژوهش اجتماعی، تابعیت آن از موضوع پژوهش است. بعضی زمینه‌ها به طور طبیعی، بیشتر با نوع پژوهش کیفی سنخیت دارد. از این‌رو، روش‌های کیفی برای پرده برداشتن از پدیده‌هایی که کمتر شناخته شده‌اند و دیدن اینکه در پشت آن‌ها چه نهفته است، به کار گرفته می‌شوند. علاوه بر این، برای کسب نگاهی نو درباره چیزهایی که میزانی از آگاهی درباره‌شان وجود دارد، کاربرد دارد. بنابراین روش‌های کیفی می‌تواند جزئیات ظریفی از پدیده‌هایی که ارائه آن‌ها با روش کمی مشکل است، به دست دهد (کوربین و استراوس، ۲۰۰۷).

بنابراین پژوهش حاضر یک تحلیل محتوایی-کیفی است، که سعی در درک معنا، با تقلیل داده‌های کیفی و طبقه‌بندی آن‌ها دارد. زیرا تحلیل محتوا، روشی مناسب برای بدست آوردن نتایج معتبر و پایا، از داده‌های متنی برای ایجاد دانش، بینش جدید، ارائه حقایق و راهنمای عملی برای عملکرد است (گرانهمیم و لاندمن، ۲۰۰۴؛ استربرت و کارپنتر، ۲۰۰۷). در این روش، پژوهشگر از به کارگیری طبقات از قبل تعیین شده اجتناب می‌ورزد و در اصل، این امکان را فراهم می‌کند که طبقات و نام‌شان از درون داده‌ها بیرون آید.

بنابراین پژوهشگر بر داده‌ها تمرکز دارد تا بتواند به درک و بینش دست یابد. ابتدا تحلیل داده‌ها با خواندن مکرر متن برای کسب بینش کلی انجام می‌پذیرد. سپس متون، کلمه به کلمه خوانده می‌شود و کدها استخراج می‌شوند. این فرآیند به طور پیوسته از استخراج کدها تا نام‌گذاری آن‌ها تداوم می‌یابد و سپس بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های کدها، در داخل طبقات قرار می‌گیرند و در پایان به ازای هر مفهوم، شواهدی از متن داده‌ها نقل قول می‌شوند (اچ سیه و شانون، ۲۰۰۵؛ الو و کینگنز، ۲۰۰۸). بنابراین از آنجا که هدف پژوهش حاضر، بررسی زوایای مختلف پدیده خیانت بوده و درصدد یافتن داده‌ها از دیدگاه همسران است، روش رویکرد عرفی و قراردادی تحلیل محتوایی^۴ - کیفی مبنا قرار گرفته است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه پژوهش را افراد مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده در شهر تهران تشکیل داده‌اند. مشارکت‌کنندگان^۵ به شیوه هدفمند از دادگاه خانواده یک (مناطق: ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹) و

دو (مناطق: ۱، ۲، ۳، ۴) شهر تهران، انتخاب شدند. در نمونه‌گیری هدفمند، پژوهشگر با توجه به هدف پژوهش، نمونه‌هایی را انتخاب می‌کند که بهتر بتوانند به سؤالات پژوهش پاسخ دهند (مارشال مارتین، ۱۹۹۶). هم‌چنین در این روش، حجم نمونه از فرمول خاصی پیروی نمی‌کند و گردآوری اطلاعات تا زمانی که داده‌ها به حد اشباع برسد، ادامه می‌یابد (استربرت و کارپنتر، ۲۰۰۳).

واحدهای نمونه‌گیری در این پژوهش را اشخاصی تشکیل داده‌اند، که طی مصاحبه‌ها به آن‌ها رجوع شده است. برای گزینش این افراد، در مرحله اول از شیوه نمونه‌گیری تعیین از قبل استفاده شده است. بدین ترتیب، معیارهایی نظیر تعلق به مناطق مربوط به دادگاه خانواده ونک و شهید محلاتی و تعارض به علت خیانت، در نظر گرفته شد. نمونه‌گیری با نخستین مصاحبه آغاز و تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت. در نهایت ۴۲ خانواده، مورد بررسی قرار گرفتند؛ و در راستای تأیید و تکمیل داده‌ها، مصاحبه با قاضی پرونده‌ها و بررسی اسناد موجود صورت پذیرفت.

به لحاظ توزیع جمعیت‌شناختی، خانواده‌های دادگاه خانواده ونک: حداقل و حداکثر سن زنان به ترتیب ۲۲-۵۲ (میانگین: ۲۹) و در مورد مردان به ترتیب ۲۶-۵۴ (میانگین: ۳۳) می‌باشد؛ از نظر میانگین عقد رسمی ۸ سال و از لحاظ سن بزرگ‌ترین فرزند یا فاقد فرزند: ۱۲-۲۲٪، ۲۲-۳۴٪، ۳۴-۴۲٪، گزارش شده است.

به لحاظ توزیع جمعیت‌شناختی، خانواده‌های دادگاه خانواده شهید محلاتی: حداقل و حداکثر سن زنان به ترتیب ۲۵-۵۳ (میانگین: ۲۸) و در مورد مردان به ترتیب ۲۵-۵۴ (میانگین: ۳۵) می‌باشد؛ از نظر میانگین عقد رسمی ۵ سال و از لحاظ سن بزرگ‌ترین فرزند یا فاقد فرزند: ۱۲-۲۲٪، ۲۲-۳۴٪، ۳۴-۴۲٪، گزارش شده است. لازم به ذکر است، در ۸۶٪ موارد، خیانت از جانب مرد بوده است.

ابزار پژوهش

شیوه اصلی گردآوری داده‌ها در این تحقیق، مصاحبه است. زیرا گفتمان‌های تفسیری برای همه سنت‌های تفسیری، چندان اهمیت دارد که تصور وجود و پیشرفت این سنت‌ها و جریان‌های فکری، بدون روش‌شناسی طراحی شده برای مطالعه آزمودنی‌ها و گفتارهایشان بسیار دشوار است. سؤال کردن و گوش دادن به دیگران، به ما می‌گوید: آن‌ها چه می‌دانند و چه احساس و باوری دارند؛ این فرآیند پرسیدن و گوش دادن، همان کهن الگوی مصاحبه است (لیندلف و تیلور؛ گیویان، ۱۳۸۸).

پژوهشگر در نمونه‌گیری هدفمند در پژوهش کیفی، با کسانی مصاحبه می‌کند که تجربه‌ای غنی از پدیده مورد بررسی و توانایی و تمایل به بیان روشن آن را دارند. این مصاحبه‌ها به صورت عمیق انجام شدند، زیرا این نوع مصاحبه به دلیل انعطاف‌پذیری و عمق بیشتر، برای پژوهش کیفی مناسب‌ترند (استربرت و کارپنتر، ۲۰۰۳).

سؤالات مصاحبه به دو بخش عمده تقسیم شدند: ۱. سؤالات مربوط به اطلاعات دموگرافیک. ۲. سؤالات مربوط به خیانت. لازم به ذکر است که این سؤالات، در کل مصاحبه پراکنده بودند و بنا بر شرایط و نحوه پاسخ‌گویی مصاحبه‌شونده، مورد پرسش قرار می‌گرفتند. معیارهای مقبولیت داده‌ها که همانند روایی و پایایی در داده‌های کمی است، برای ارزیابی داده‌های پژوهشی به کار رفت. برای افزایش مقبولیت داده‌ها، از روش‌های زیر استفاده شد: ۱. ارتباط خوب و اختصاص زمان کافی برای مصاحبه. ۲. استفاده از تلفیق^۶ در پژوهش؛ تلفیق روش‌های گردآوری^۷ داده‌ها (مصاحبه، مشاهده و بررسی اسناد موجود).

شیوه جمع‌آوری اطلاعات

جمع‌آوری اطلاعات به این صورت بوده است که ضمن هماهنگی با دانشگاه شهید بهشتی و اخذ مجوز از اداره آموزش دادگستری تهران، داده‌های این پژوهش با استفاده از مصاحبه عمیق با مراجعه‌کنندگان و قضات شعبات (۲۴۵ و ۲۶۱) و مشاهده و بررسی اسناد انجام شد؛ به عبارتی، شیوه اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه است. مدت هر مصاحبه با توجه به اطلاعاتی که مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کردند، حدود ۶۰-۳۰ دقیقه طول کشید. در نظر گرفتن مرحله عقد، ازدواج، وجود یا عدم وجود فرزند و عدم خروج فرزند، ملاک‌های مورد استفاده برای تعیین مرحله چرخه زندگی خانواده بودند.

ملاحظات اخلاقی

به علت پیامدهای خیانت جنسی، مصاحبه، با اطمینان به افراد از عدم تأثیر صحبت‌های آنان در روند قضایی و عدم ذکر نام آن‌ها در پژوهش، صورت گرفت.

شیوه تحلیل داده‌ها

با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده، در مورد مزایا و معایب تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار و یا پژوهشگر، تحلیل داده‌ها توسط پژوهشگر به صورت غیر نرم‌افزاری برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش انتخاب شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از شیوه‌های کدگذاری باز^۸ و محوری^۹ استفاده گردید. برای این کار، ابتدا مفهوم‌سازی و هم‌چنین مقوله‌پردازی، انجام گرفت. مفهوم‌سازی از داده‌ها، اولین قدم در تجزیه و تحلیل به شمار می‌آید. منظور از مفهوم‌سازی و خرد کردن این است که مورد مشاهده‌ای، جمله‌ای یا پاراگرافی، به اجزایی تقسیم و به هر کدام از حوادث، ایده‌ها یا رخدادها نامی داده می‌شود، پس از این مرحله، به کشف مقوله‌ها می‌پردازیم تا مفاهیم مشخص شده را ذیل آن‌ها قرار دهیم.

این‌گونه طبقه‌بندی مفاهیم را که به نظر می‌رسد به پدیده‌های مشابه ربط پیدا می‌کند، مقوله‌پردازی می‌نامند. شناسایی خصوصیات و ابعاد مقوله‌ها نیز برای ایجاد رابطه بین مقوله‌ها و خرده مقوله‌ها، از اهمیت زیادی برخوردار است (لیندلف و تیلور؛ گیویان، ۱۳۸۸).

بدین ترتیب در بررسی مقوله علل خیانت، مقوله اصلی، مشکلات جنسی است که خود از خرده مقوله‌هایی ساخته شده است. گونه‌هایی که تحت عناوین ناتوانی جنسی، سرد مزاجی، عقیم بودن و نازایی نام‌گذاری شده‌اند، همه در زیر همین مقوله اصلی جای گرفته‌اند. هر کدام از این خرده‌مقوله‌ها نیز خود از مفاهیمی تشکیل شده‌اند که بر محور داده‌های خاصی، تجمع یافته و دسته‌بندی شده‌اند. برای انجام کدگذاری باز، راه‌های متنوعی وجود دارد که در پژوهش حاضر به فراخور نیازهای تحقیقی، به کار برده شده است.

در اولین شیوه، باید با تجزیه و تحلیل سطر به سطر اولین مشاهده یا مصاحبه آغاز نمود و به بررسی دقیق عبارت به عبارت و حتی بعضاً کلمه به کلمه پرداخت. در روش دوم، می‌بایست به کدگذاری جمله‌ها و پاراگراف‌ها پرداخت و به دنبال ایده مهمی بود که در جملات و پاراگراف‌های مصاحبه و یادداشت‌های میدانی وجود دارد و نامی به آن اطلاق نمود. در روش سوم، به تجزیه و تحلیل تمام مشاهده یا مصاحبه می‌پردازیم و به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال خواهیم بود که: اینجا چه می‌گذرد؟ تفاوت این مورد با موارد دیگری که کدگذاری شده است، چیست؟ برای پاسخ به این سؤالات، باید دوباره به داده‌ها برگشت و آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد (لیندلف و تیلور؛ گیویان، ۱۳۸۸).

در کدگذاری محوری، داده‌هایی را که در کدگذاری باز خرد شده‌اند، دوباره با ایجاد روابط بین هر مقوله و مقوله‌های فرعی، آن را به شیوه‌ای تازه به همدیگر مرتبط می‌سازیم. البته در این کدگذاری‌ها هم، داده‌ها با توجه به نظریه به هم مربوط نمی‌شوند و به بیان دیگر، هنوز به توسعه مقوله مشغولیم. در کدگذاری محوری، تکیه بر مشخص کردن یک مقوله (پدیده) با در نظر گرفتن شرایطی که به ایجاد آن می‌انجامد، قرار دارد؛ و آن شرایط عبارت است از زمینه‌ای (خصوصیات ویژه آن) که مقوله در آن واقع شده است.

راهبردهای کنش - کنش متقابل که به وسیله آن مقوله اداره و کنترل می‌شود و به انجام می‌رسد، پیامدهای آن راهبردها و نهایتاً، در کدگذاری انتخابی مقوله‌ها برای ساختن نظریه ادغام می‌شوند تا ترکیب نهایی کار به نمایش گذاشته شود (لیندلف و تیلور؛ گیویان، ۱۳۸۸). با در نظر گرفتن این رویه کلی، از طریق کدگذاری محوری، نظریه ساخته شده در پژوهش ظاهر گردید که شامل پدیده (خیانت)، زمینه^{۱۱} و شرایط مداخله‌گر^{۱۲} (نظیر جنسیت، چرخه زندگی و...)، شرایط علی (نظیر تعارضات زناشویی و...) و استراتژی‌های کنش-کنش متقابل (خشونت و...) است.

در مرحله کدگذاری باز، ۴۳ مفهوم اولیه استخراج و در مرحله دوم، ۹ مفهوم تولید و نهایتاً ۳ مقوله عمده استخراج شد. لازم به ذکر است که در اغلب مصاحبه‌ها، یک فرد به بیش از یک مفهوم اشاره می‌کرد. این مقوله‌های عمده به همراه هر کدام از مفاهیم و زیرمفاهیم، در جدول ۳ به نمایش درآمده‌اند. در مرحله کدگذاری محوری، طبقه محوری و مقوله‌های شرایطی^{۱۳}، تعاملی^{۱۴} و پیامدی^{۱۵} و ارتباط منطقی بین مقوله‌ها را مشخص ساخت که در شکل ۱ به نمایش درآمده‌اند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش به مرور یافته‌های پژوهش که، با تجزیه و تحلیل داده‌ها طی دو مرحله کدگذاری باز و کدگذاری محوری حاصل شده است، پرداخته می‌شود. پارادایم کلی نظریه، مبنای یافته‌های پژوهش و ارتباط اجزای آن بیان می‌شود. بنابراین در ابتدا پدیده پژوهش و سپس سایر شرایط و استراتژی‌ها و در نهایت پیامدها تشریح می‌شود.

پدیده: در مورد پدیده خیانت در این پژوهش لازم به ذکر است که خیانت، ابعاد و طیف وسیعی دارد. ولی طی مصاحبه‌های انجام شده با افرادی که به علت خیانت به دادگاه مراجعه کرده بودند، علت عدم تحمل ادامه رابطه را خیانت از نوع جنسی بیان می‌کردند، هرچند قبل از آن شاهد خیانت همسرشان در ابعاد دیگری مانند خیانت پیامکی بوده‌اند، ولی تصمیم به طلاق نگرفته بودند.

زمینه و شرایط مداخله‌گر: زمینه، خصوصیات ویژه پدیده است و شرایط مداخله‌گر، به منزله زمینه ساختاری وسیع‌تر مربوط به پدیده می‌باشد (کوربین و استراوس، ۲۰۰۷). پژوهشگر در طول مصاحبه‌ها، متوجه نگرش متفاوت زنان و مردان در مورد علل گوناگون خیانت شد، که هر کدام جداگانه مورد بررسی قرار گرفت. همچنین طی مصاحبه‌ها، به تأثیر چرخه زندگی افراد در نوع علل خیانت و چگونگی واکنش افراد با توجه به مرحله‌ای که در آن حضور داشتند، پی برده شد. مورد دیگر، تأثیر اعتقادات افراد در مورد در نظر گرفتن یا نگرفتن رفتارهایی به عنوان خیانت بود. همچنین تاریخچه خود خانواده و نگرش آن‌ها به خیانت نیز تأثیرگذار بود. در این پژوهش، شرایط مداخله‌گر در دو حوزه در نظر گرفته شد؛ حوزه اول، عوامل فردی نظیر ویژگی‌های شخصیتی، مسئولیت‌پذیری و تعهد و در حوزه دوم، عوامل اجتماعی نظیر جنسیت، خانواده، اعتقادات، چرخه زندگی و معضلات اجتماعی در نظر گرفته شد.

شرایط علی: حوادثی اند که به وقوع و گسترش پدیده می‌انجامند. در رابطه با دلایل و سبب‌شناسی خیانت، لازم است در نظر داشته باشیم که تنها چند دلیل وجود نخواهد داشت. نمونه‌هایی از اظهارات مشارکت‌کنندگان که از دو طریق، در پاسخ به سؤال مستقیم پژوهشگر و یا در ضمن گفتگو، بدون اشاره مستقیم پژوهشگر استخراج شده است؛ و به شرایط علی دلالت دارد، به صورت کلیدی در جدول ۱ آورده شده‌اند.

جدول ۱: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

مقوله‌های هسته‌ای	مقوله‌های عمده	مفاهیم اولیه
مسائل فردی	مسائل روان‌شناختی	تنوع‌طلبی و محق دانستن
		اثبات خود
		کسب لذت
		اعتیاد
	مسائل گذشته	عاشق شدن
		عشق ناکام گذشته
مسائل روابط همسران	مسائل جنسی و جسمی	ادامه روابط قبلی
		وجود الگوی خیانت
		عدم توافق جنسی
		ناتوانی جنسی
		عقیم بودن
		سرد مزاجی
		گرایش جنسی انحرافی
		فقدان بستر گرم و صمیمی
	مسائل عاطفی	بیماری مزمن
		خلاء عاطفی
		عدم درک و همدلی
		از بین رفتن عشق
	ازدواج نامناسب	عدم احساس خوشبختی
		نادیده گرفته شدن
		بدون علاقه
		زود هنگام
	سوء رفتار	اختلاف سنی زیاد
		اختلاف طبقاتی
		اختلاف فرهنگی
		خشونت کلامی
	عدم حضور همسر	خشونت فیزیکی
		تهمت و شکاکی
		خیانت
		قهر و ترک منزل
مسائل جامعه	مسائل محیطی	مأموریت
		مسافرت
		شیفت شب
		زندانی بودن
	مسائل اقتصادی	مشروعیت خاص قانون
		مشروعیت خاص مذهبی
مسائل اقتصادی	الگوسازی نامناسب رسانه	
	تقلید از اطرافیان	
مسائل اقتصادی	عدم مقابله مناسب	
	در دسترس بودن اغواگران	
مسائل اقتصادی	کسب درآمد	
	ترقی اقتصادی	
مسائل اقتصادی	تجربه امکانات رفاهی	

۱. مقوله مسائل فردی شامل دو مفهوم است:

۱.۱. **مسائل روان‌شناختی:** یکی از مفاهیم کدگذاری باز، کد محوری مقوله مسائل فردی، شامل مفاهیمی مانند تنوع‌طلبی و خود را محق دانستن است که در مردان بیشتر از زنان حاکم بود. عاشق شدن نیز از مواردی است که در زن و مرد وجود داشت. خانم ۳۰ ساله‌ای می‌گوید: «شوهرم خیلی خوبه، هیچیم برای من کم نگذاشته، ولی عاشقش نیستم؛ نمی‌دونم به خاطر چی دارم ازش جدا می‌شم. چی کار کنم؟ عاشق اونم. قراره بعد طلاقم با هم ازدواج کنیم».

در زمینه خیانت، اعتیاد به صورت چندگانه تأثیرگذار است. در صورتی که مرد اعتیاد دارد، عواملی مانند: احساس حقارت ناشی از ناتوانی جنسی و نیاز مالی، موجب خیانت می‌شود. این موضوع وقتی همسر فرد نیز اعتیاد دارد، صدق می‌کند. در این شرایط نیز، زن به علت ارضا نشدن و یا تنگنای مالی خیانت می‌کند. خانمی با داشتن یک دختر دبستانی در این مورد می‌گوید: «شوهرم عملیه، خجالت می‌کشم حتی کنارش تو خیابان راه برم. دهنش بوی گند می‌ده. منم حق دارم دلم بخواد با کسی باشم که کنارش تو خیابان راه می‌ریم، بهش افتخار کنم».

۱.۲. **مسائل گذشته:** روابط قبل از ازدواج شامل روابط جنسی و عاشقانه می‌شود. خیانت، هم در مورد افرادی که قبل از ازدواج رابطه جنسی نداشته‌اند و هم در مورد کسانی که رابطه جنسی داشته‌اند، عنوان شد؛ با این تفاوت که خیانت در افرادی که قبل از ازدواج رابطه جنسی داشته‌اند، بیشتر است. عشق ناکام گذشته، پر تکرارترین زیرمجموعه مفهوم مسائل گذشته است که در دو حالت منجر به خیانت شده بود. در حالت اول، رابطه با عشق قبلی در زمان تصمیم به ازدواج قطع شده و با بازگشت مجدد او دوباره رابطه آغاز شده بود. خانم ۲۷ ساله‌ای که ۷ ماه پس از عقدش برای طلاق به دادگاه آمده است، می‌گوید: «مدتی بعد عقدمون رفتار همسرم تغییر کرد، به روز به عکس بهم نشون داد و گفت: عکس دوست دخترمه که دوستش داشتیم، تو رو دوست ندارم».

در موارد دیگر با اینکه فرد با شخص دیگری ازدواج کرده بود، ولی با عشق خود توافق کرده بودند که پنهانی رابطه خود را ادامه دهند. خانم ۲۶ ساله‌ای می‌گوید: «به علت اینکه وضع مادی‌اش خوب نبود، با شوهرم ازدواج کردم. ولی عاشق اون بودم، نتونستم فراموشش کنم».

۲. مقوله مسائل رابطه همسران شامل ۵ مفهوم می‌باشد:

۲.۱. **مسائل جنسی و جسمی:** عدم رضایت جنسی، از علل اصلی خیانت مردان می‌باشد. آقای ۳۱ ساله می‌گوید: «خسته شدم از این که هر بار به زور و منت، اون هم یه بار در ماه، رابطه داشتیم».

در بیان علل خیانت به واسطه بیماری مزمن، خانمی که دچار ام‌اس شده است بیان می‌کند: «با بیمار شدنم، همسرم من و فرزندم رو رها کرد و به خواست کسی که باهاش رابطه داره، تصمیم گرفته از من جدا شه».

۲,۲. مسائل عاطفی: مسائل عاطفی از علل اصلی بروز خیانت در زنان محسوب می‌شود. معمولاً در خانم‌ها ابتدا خیانت عاطفی اتفاق می‌افتد و بعد به دنبالش وارد خیانت جنسی هم می‌شوند. خانم ۲۶ ساله‌ای می‌گوید: «همش تنها باشی، وقتی شوهرت فقط غرورت رو خرد کنه، خسته می‌شی. نیاز به یکی داری باهش حرف بزنی، حرفت رو بفهمه».

۲,۳. ازدواج نامناسب: ازدواج با انگیزه مالی، موضوعی است که در بسیاری از خانم‌هایی که به علت خیانت همسر به دادگاه خانواده و نک مراجعه کرده بودند، طبقه اقتصادی خانم بالاتر بود. در این باره خانم ۴۲ ساله‌ای می‌گوید: «شوهرم شاگرد مغازه‌ام بود. با رفتاراش فکر کردم عاشقمه. بعد ۱۲ سال فهمیدم با پول من خونه مجردی خریده و مدام زن صیغه می‌کنه».

همان‌طور که در مثال‌ها مشخص است، در بیشتر موارد خیانت تنها به یک دلیل نبوده است. در ادامه، زندگی خانم ۲۴ ساله‌ای که علت جدایی‌اش را خیانت‌های مکرر همسرش می‌داند، از زبان خودش گفته می‌شود که می‌توان وجود علل: تغییر وضع مادی، مأموریت کاری، بخشیدن سریع، تنوع‌طلبی، اغواگری زن دیگر، اختلال روانی و... را در بروز خیانت بررسی کرد.

از دیگر دلایل تأثیرگذار در بروز خیانت، ازدواج در سن پایین می‌باشد. خانم می‌گوید: «همسر من وقتی ۲۴ ساله بود با هم ازدواج کردیم و بعد کم‌کم شروع کرد به خیانت و من به روی خودم نمی‌آوردم تا اینکه منو به خونه پدرم برد و گفت: وقتی جوونیم رو کردم، میام دنبالت».

۲,۴. سوءرفتار: در بعضی موارد، زنان به دلایلی مانند: عدم بلوغ هیجانی، عدم برخورداری از حمایت قانونی و عدم پایبندی به اصول اخلاقی، در مقابل مسائلی مانند: اطلاع از روابط فرا زناشویی یا خشونت و بی‌توجهی همسر، از خیانت به عنوان وسیله‌ای برای انتقام و آرام شدن خود، استفاده می‌کنند. یکی از علل اصلی خیانت زنان، متوجه شدن به خیانت همسرشان می‌باشد.

این افراد به علت عدم آگاهی و توانایی از شیوه برخورد درست و همچنین وجود نقص در قوانین در برابر خیانت مردان، در واکنش به خیانت شوهر، مقابله به مثل می‌کنند. خانمی دارای فرزندان دختر ۳ و ۱۰ ساله بیان می‌کند: «شوهرم به مسافرت‌های خارج از کشور می‌رفت و به من خیانت می‌کرد. من هم بعد ۱۳ سال برای اولین بار خیانت کردم و حالا مجبورم کرده توافقی و بدون هیچ حق و حقوقی از هم جدا بشیم».

۲,۵. عدم حضور همسر: عدم حضور همسر به دلایل مختلف از جمله ترک منزل ممکن است اتفاق بیفتد. یکی از علل اصلی خیانت، عدم حضور همسر عنوان شد. در این مورد آقا ۳۱ ساله‌ای می‌گوید: «هر بار قهر می‌کرد و بعد من مجبور بودم برم دنبالش و خواستشو قبول کنم. این دفعه که قهر کرد بهش گفتم برگرده، برنگشت. منم بهش گفتم از حالا دیگه بهت تعهد ندارم».

۳. مسائل جامعه شامل دو مفهوم می‌باشد:

۳.۱. **مسائل محیطی:** محیط نامناسب موجب فراهم شدن شرایط خیانت می‌شود که از جمله می‌توان به وجود اغواگران اشاره کرد. در کنار این مسئله، حق قانونی و شرعی که مردان برای خود قائل می‌شوند تسهیل کننده ورود آنان به این‌گونه روابط است. برای نمونه، آقایی در این زمینه می‌گوید: «خصلت مرد اینه، به خاطر همین، هم در شرع و هم تو قانون این اجازه داده شده».

۳.۲. **مسائل اقتصادی:** رشد اقتصادی از عوامل مؤثر در بروز خیانت در مردان عنوان شد. خانم ۲۴ ساله می‌گوید: «۸ سال پیش با همسر من به صورت سنتی ازدواج کردیم. زندگی خوبی داشتیم تا اینکه وضع مادی‌اش خیلی خوب شد. اوایل فقط رابطه‌اش در حد بیرون رفتن بود، ولی بعد مدتی خودش بهم گفت که زن صیغه می‌کنه. خیلی دوستش داشتم زیاد به روش نمی‌آوردم. چون کارخونه‌اش رفته بود شهرستان، منم درسم رو ول کردم، گفتم پیشش باشم شاید دیگه این کارو نکنه؛ ولی فایده نداشت. ۳ سال پیش اومدم طلاق بگیرم، فهمیدم حامله‌ام. شوهرم قول داد، ولی بازم تکرار کرد. پیش روان‌پزشک رفتیم؛ گفته بود باید دارو مصرف کنه. اون مدت خوب بود، ولی خودش داروهاشو قطع کرد. می‌خواهم از زندگیش برم بیرون».

همان‌طور که در این مورد هم مشخص است، در بیشتر موارد چند مفهوم همراه هم مانند: تغییر وضع مادی، مأموریت کاری، بخشیدن سریع، تنوع‌طلبی، اغواگری زن دیگر و اختلال روانی، همراه هم در بروز خیانت تأثیرگذارند.

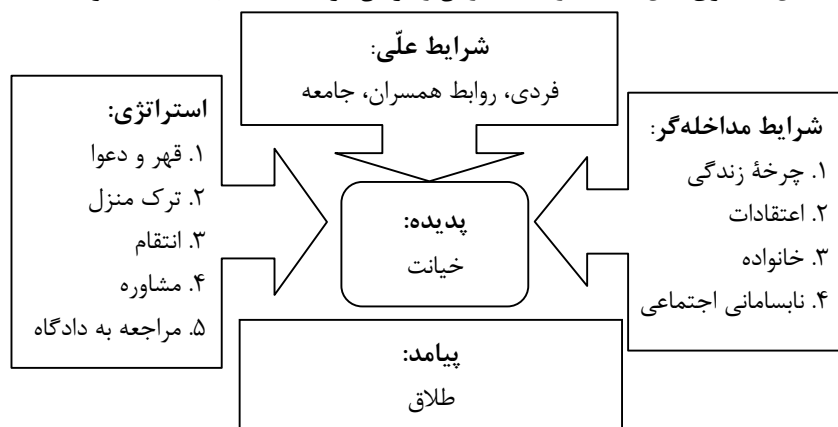
استراتژی: یکی از داده‌های مصاحبه‌های صورت گرفته، بررسی راهبردهایی بود که افراد در مقابل خیانت همسر خود به کار می‌بردند. این استراتژی، در بیشتر موارد از طرف آقایان خشم و تصمیم به جدایی بود، ولی در مورد خانم‌ها طیف وسیع‌تری را در برمی‌گیرد. بیشتر خانم‌ها وقتی متوجه خیانت همسر خود شده بودند، از استراتژی قهر و دعوا استفاده کرده بودند. ولی بعد از مدتی به شرط تکرار نشدن خیانت، همسر خود را بخشیده بودند؛ که متأسفانه باز هم همسر بارها خیانت کرده بود و در آخر از استراتژی جدایی استفاده کردند. تنها در چند مورد افراد برای واکنش به خیانت، از مشاوره کمک گرفته بودند که در همین موارد نیز مشاوره بعد از استراتژی‌هایی مانند قهر کردن و ترک منزل صورت گرفته بود.

افراد در برابر خیانت، واکنش‌های متعددی دارند و در نتیجه پیامدهای مختلفی نیز خواهیم داشت. برای مثال، مخصوصاً در مردان ممکن است پیامد خیانت، به قتل همسر یا فرد سوم منتهی شود. ولی ما در این پژوهش فقط استراتژی‌هایی را بیان کردیم که تعدادی از افراد مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده از آن‌ها استفاده کرده بودند.

پیامدها: از دیگر عناصر مدل پارادایمی پیامدها، شناسایی پیامد کنونی و یا احتمالی آن در آینده از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش می‌باشد. پیامدها، اعمالی هستند که افراد در مقابله با

پدیده خیانت انجام می‌دهند. پیامدهای ناشی از خیانت را می‌توان در چند جهت در نظر گرفت. اما با توجه به اینکه این پژوهش، در مورد افرادی است که به علت خیانت به دادگاه مراجعه کرده‌اند، به طور کلی طلاق، به عنوان پیامد در نظر گرفته می‌شود.

شکل ۱: الگوی علل خیانت از دیدگاه زنان و مردان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده



بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، به روش کیفی با رویکرد تحلیل محتوا، دلایل خیانت را از دیدگاه افراد مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده مورد بررسی قرار داد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، خیانت منبعث از مجموعه عوامل متعدد می‌باشد که در سه مقوله فردی، روابط با همسر و جامعه قرار گرفتند. بدین منظور، ابتدا در مرحله کدگذاری باز مقوله‌ها، بر پایه داده‌های جمع‌آوری شده حاصل از مصاحبه‌ها، پرونده‌ها و مشاهدات استخراج شد. در کدگذاری محوری، زیرمقوله‌ها به هم مرتبط شدند. مقوله خیانت، به عنوان پدیده مرکزی انتخاب شد و دیگر مقوله‌های: «شرایط علی»، «راهبردها»، «شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر» و «پیامدها» به مقوله محوری مرتبط شدند.

لازم به ذکر است، چنانچه که در مقدمه عنوان شد، تعاریف متعددی برای خیانت وجود دارد و برداشت افراد از خیانت، با توجه به بافت فرهنگی که فرد در آن زندگی می‌کند، متفاوت است. با توجه به پژوهش‌های مختلف، بیشتر افراد در روابط جنسی، انتظار تک‌همسری و پرهیز از روابط نامشروع را از همسران خود دارند؛ به طوری که در پژوهشی، ۹۷٪ از پاسخ‌گویان بیان کرده‌اند که افراد متأهل نباید در روابط نامشروع شرکت نمایند (جانسون و همکاران، ۲۰۰۱؛ سودانی، ۱۳۹۱). یافته‌های این پژوهش نیز حاکی از اعتقاد افراد مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده، به پدیده تک‌همسری می‌باشد و ارتباط همسرشان با هر زن دیگری را حتی در شرایط قانونی، خیانت محسوب می‌کنند.

تحلیل و مقوله‌بندی مصاحبه‌های صورت گرفته درباره تعیین علل خیانت، به شناسایی سه مقوله اصلی موجود در الگوی خیانت شد؛ که شامل خرده‌مقوله‌هایی است که در جدول ۱ مشخص شده است. مقوله فردی، یکی از سه مقوله اصلی دربرگیرنده علل عدم تعهد است؛ که شامل دو زیرمقوله مسائل روان‌شناختی و گذشته، می‌باشد. یوسفی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود عنوان می‌کنند، که طرحواره‌ها در بررسی علل روان‌شناختی طلاق‌هایی که به دلیل خیانت صورت می‌گیرد، از اهمیت ویژه برخوردارند. صاحب‌نظران بسیاری نیز مطرح کرده‌اند که دلبستگی ناایمن می‌تواند برای تبیین خیانت به کار رود و افراد دارای دلبستگی ایمن، تمایل کمتری به خیانت در رابطه زناشویی دارند؛ زیرا آن‌ها در روابط زناشویی احساس راحتی و اطمینان دارند که این احساس، به عنوان مانعی برای شروع روابط فرا زناشویی عمل خواهد کرد (جنیفریو، ۲۰۰۹).

مسائل گذشته شامل روابط قبل از ازدواج، روابط جنسی و عاشقانه می‌شود. خیانت در افرادی که قبل از ازدواج رابطه جنسی داشته‌اند، بیشتر عنوان شد. علی‌تبار، قنبری، زاده‌محمدی، و حبیبی (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود بیان می‌کنند که مردان متأهل دارای سابقه جنسی پیش از ازدواج، از نگرش سهل‌گیرانه‌تری نسبت به روابط فرا زناشویی برخوردار هستند.

مقوله رابطه همسران، دیگر مقوله اصلی دربرگیرنده علل عدم تعهد است که شامل ۵ زیرمقوله: مشکلات جنسی و جسمی، عاطفی، ازدواج نامناسب، سوء رفتار و عدم حضور همسر می‌باشد. هم‌سو با پژوهش استس و هامونز (۲۰۰۲)، کمبودهای عاطفی و جنسی یا عدم جذابیت جنسی از علل خیانت محسوب می‌شود؛ به طوری که لیتون (۲۰۰۳) در پژوهش خود بیان می‌کند: ۹۰٪ افرادی که روابط نامشروع برقرار کرده‌اند، علت را ارضا نشدن نیازهای عاطفی در رابطه زناشویی خود، ابراز کرده‌اند. در این پژوهش نیز برطرف نشدن نیاز عاطفی از دلایل اصلی خیانت محسوب شد.

در پژوهش حاضر عدم رضایت از رابطه زناشویی، یکی از علل اصلی در بروز خیانت عنوان شد، که هم‌خوان با پژوهش زمینه‌یابی ترز و جیسن (۲۰۰۰) و نیومن (۲۰۰۸) است. وجود تعارضات زناشویی همیشگی و عدم احساس رضایت‌مندی در کنار یکدیگر، از عوامل اصلی برای کشانده شدن به روابط فرا زناشویی می‌باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اشکالات موجود در زندگی زناشویی، عامل اصلی انحراف بسیاری از مردان است و مهم‌ترین اشکال، نحوه برخورد زوجین با یکدیگر و وجود شکافی عمیق در اعتماد بین آن‌هاست. در مطالعه‌ای، مردان مهم‌ترین دلایل اقدام به خیانت را مشکلات عاطفی (۴۸٪)، نارضایتی عاطفی و جنسی به یک اندازه (۳۲٪) و عوامل دیگر (۲۰٪) ذکر نموده‌اند (شعاع‌کازمی و مؤمنی‌جاوید، ۱۳۹۰). هم‌چنین، هم‌سو با نتایج فونگ، ونگ و تام (۲۰۰۹) نیز بین خیانت و تعارضات زناشویی، رابطه معناداری وجود دارد.

بنابراین می‌توان عنوان کرد که خیانت و تعارضات زناشویی، هر دو علل و معلول یکدیگرند؛ به طوری که تعارضات زناشویی، منجر به از بین رفتن صمیمیت همسران می‌شود که می‌تواند زمینه‌ساز

خیانت باشد و از طرف دیگر هم، خیانت می‌تواند به علل فردی باشد و به دنبال آن، تعارضات زناشویی نیز اتفاق افتد. در تبیین این موضوع، می‌توان به تئوری سیستمی اشاره کرد؛ بر اساس دیدگاه سیستمی، خیانت، عملی مخاطره‌آمیز و دو جانبه بین همسران می‌باشد. به عبارتی، زوجینی که از روابط احساسی ضعیفی برخوردار بودند، به خاطر احیای زندگی مشترکشان، نفر سومی را وارد بازی می‌کنند و در نتیجه، بحرانی را در ازدواج خود به وجود می‌آورند. از این نقطه نظر، هر دو نفر مسئول ایجاد این وضعیت می‌باشند (شعاع کاظمی و مؤمنی جاوید، ۱۳۹۰).

مقوله جامعه، دیگر مقوله اصلی دربرگیرنده علل عدم تعهد است که شامل ۲ زیرمقوله اقتصادی و محیطی است که خدمتگزار و بوالهروی (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود به آن اشاره کرده‌اند.

بخشی از سؤالات مصاحبه نیز مربوط به تعیین مرحله چرخه زندگی افراد مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده بود. با توجه به نتایج پژوهش، علل خیانت و واکنشی که همسران در برابر آن انجام می‌دهند، در مراحل مختلف چرخه زندگی به طور کلی متفاوت است. با توجه به نتایج مصاحبه‌ها، خیانت در مرحله عقد، بیشتر توسط افرادی که ازدواج بدون علاقه داشته‌اند و در گذشته، به فرد دیگری علاقه‌مند بوده‌اند، صورت گرفته بود. در این موارد، فرد قبلی بازگشته بود. در مواردی نیز، فرد تمایل داشت به ادامه روابط نامشروع قبل از ازدواج بپردازد، در صورتی که در مراحل بعدی چرخه زندگی، تنوع بیشتری در علل خیانت عنوان شد.

اکثر خانم‌های شرکت‌کننده در پژوهش که در مرحله بچه‌دار شدن بودند، علت خیانت همسرشان را تغییر وضعیت مالی همسر خود می‌دانستند. برای عده‌ای از آقایان نیز مهم بود که همسرشان را در شأن خود ببیند و با تغییر وضعیت مالی‌شان، دیگر همسر خود را هم‌سطح خود نمی‌دیدند. مورد دیگری که می‌توان در بیان علت خیانت آقایان از دیدگاه خود مردان عنوان کرد، ترک خانه توسط زن به مدت طولانی است. موارد مذکور، در بخش یافته‌ها شرح داده شد.

لازم به توضیح است که بیشتر افرادی که در مراحل بعدی ازدواج بودند، بیان می‌کردند که به خاطر فرزندشان، همسر خود را بارها بخشیده‌اند و وقتی تصمیم به طلاق گرفته بودند که علل دیگری مانند اعتیاد یا ترس از ابتلا به بیماری‌های مقاربتی، ادامه زندگی با همسر را برای آن‌ها غیرممکن کرده بود. در مواردی نیز که فرد در مراحل بعد از ازدواج و چرخه زندگی بود، با وجود خیانت همسر، زن تصمیم به جدایی نداشت، ولی فرد سوم از همسر خواسته بود که زنش را طلاق دهد.

بنابراین با توجه به نتایج مصاحبه‌های انجام گرفته، به نظر می‌رسد که با ورود افراد به مراحل انتهایی چرخه زندگی، احتمال اینکه افراد تنها به علت خیانت تصمیم به جدایی بگیرند، کاهش می‌یابد؛ به عبارت دیگر، بیشتر افرادی که تنها به علت خیانت همسر تصمیم به جدایی گرفته بودند، در مرحله عقد و ازدواج بوده‌اند.

یافته جانبی دیگر پژوهش، بررسی خیانت‌هایی بود که در رابطه با افراد نزدیک مانند همکار یا دوست و حتی اعضای خانواده بوده است؛ عنوان می‌شد که این ارتباطها، ابتدا به قصد روابط فرا زناشویی نبوده است و با کشش و درگیری ذهنی، چه از نظر عاطفی و یا جنسی و در بعضی موارد هر دو، شروع شده بود و بعد به جای مقابله با این احساس و دوری از فرد، با ادامه تعاملات و عمیق‌تر شدن روابط عاطفی، در نهایت به رابطه جنسی کشانده شده بود. هم‌چنین در اکثر مردانی که خیانت کرده بودند، روابط صمیمی و محکم خانوادگی برقرار نبوده و این افراد، وقتی خیانت‌شان مشخص شده بود، از طرف خانواده خود مورد سرزنش قرار نگرفته بودند و گویا برای خانواده اهمیتی نداشت؛ به بیان بهتر، قبحی برای این مسئله وجود نداشته است.

یافته دیگر این پژوهش که قابل توجه است، نقش پررنگ جنسیت در بروز خیانت می‌باشد. فراوانی بیشتر مردان خیانت کرده نسبت به زنان، با پژوهش‌های انجام یافته (لواندسکی و آکرمن، ۲۰۰۶؛ اشنایدر، ۲۰۰۷؛ پلات و همکاران، ۲۰۰۸) هم‌سو است. هم‌چنین علت خیانت در زنان، اغلب زیربنای عاطفی دارد و بیشتر به مقوله رابطه با همسر مانند: خیانت همسر و در نتیجه انتقام زن، و جامعه مانند: الگوسازی نامناسب رسانه مربوط می‌شود؛ در صورتی که در مورد آقایان، برطرف کردن نیاز جنسی، از علل اصلی خیانت می‌باشد و مقوله فردی مانند: تنوع‌طلبی نیز نقش اساسی در بروز خیانت دارد. هاریس (۲۰۰۳) نیز علت اصلی خیانت زنان را، نارضایتی از روابط و علت اصلی خیانت مردان را، جاذبه‌های جنسی می‌داند.

مسئله دیگری که در پژوهش مطرح شد، پیامد خیانت است. در پژوهش‌ها، واکنش‌های عاطفی و روانی شامل احساس خشم، احساس گناه، دلسردی و ناامیدی، شکستن اعتماد، آسیب دیدن عزت نفس و افسردگی و اضطراب (شاکلفورد، لبلانس و دراس؛ ۲۰۰۰)، تعارضات زناشویی، افت عملکرد نقش والدینی، مشکلات شغلی (استفان و اول، ۲۰۰۸)، مشکلات روانی-اجتماعی (اشنایدر، ۲۰۰۵) و علائم شبیه استرس پس از ضربه مانند شوک و سردرگمی و کاهش اعتماد به نفس (برند و همکاران، ۲۰۰۷) و به دنبال آن پیامدهایی نظیر ضرب و شتم، خودکشی و قتل (شاکلفورد و همکاران، ۲۰۰۳)، و طلاق (کاوه، ۱۳۸۷) اشاره شده است.

با توجه به اینکه جامعه آماری این پژوهش، افراد مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده به دلیل خیانت می‌باشد، طلاق به عنوان پیامد خیانت در نظر گرفته می‌شود که هم‌خوان با پژوهش کاوه (۱۳۸۷) است. لازم به ذکر است که درخواست برای طلاق، صرفاً از جانب فرد خیانت‌دیده مطرح نمی‌شود، بلکه در مواردی مانند زمانی که فرد تصمیم به ازدواج با فرد سوم را دارد، از سوی فرد خیانت‌کار نیز صورت می‌گیرد.

طبق نتایج برند و همکاران (۲۰۰۷)، زنان بیشتر از مردان، پس از خیانت به همسر خود، به دلیل روابط جدید، به زندگی زناشویی قبلی خود، پایان دادند و علت عدم پایبندی آن‌ها، احساس نارضایتی

از روابط زناشویی عنوان شده است، که متفاوت با نتایج این پژوهش است. در پژوهش حاضر، اکثر مردان بعد از خیانت، تصمیم به پایان دادن زندگی مشترک خود داشتند.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها، مدل پارادایمی خیانت ارائه شد که یکی از عناصر آن، بررسی علل عدم تعهد است و سه مقوله اصلی برای آن در نظر گرفته شد که هر کدام نیز، شامل زیرمقوله‌هایی هستند. نکته اساسی آن است که این زیرمقوله‌ها در برخی موارد با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. همچنین شایان ذکر است که سه مقوله اصلی نیز در ارتباط چرخه‌ای با یکدیگر قرار دارند؛ به صورتی که هم بر یکدیگر اثرگذار و هم از یکدیگر اثرپذیر هستند. با در نظر گرفتن این مسیر حلقوی، کاهش آسیب‌های ناشی از عدم تعهد در خانواده، با لحاظ عناصر مدل پارادایمی و از جمله مهم‌ترین آن یعنی علل عدم تعهد، با برطرف کردن مسائل هر سه حلقه: فردی، روابط همسران و جامعه، امکان‌پذیر خواهد بود.

محدودیت

با توجه به مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته، عللی در بروز خیانت شناسایی شد که در پژوهش‌های گذشته به آن‌ها پی برده نشده بود. با این وجود، عواملی هم‌چون ویژگی‌های شخصیتی (باس و شاکلفورد، ۱۹۹۷؛ ارزک و لانگ، ۲۰۰۵؛ باردیس و دیجسترا، ۲۰۰۸؛ ثنائی‌ذاکر، باقریان‌نژاد، ۱۳۸۲)، اختلال و بیماری (کاوه، ۱۳۸۷)، طرحواره (یوسفی، ۱۳۸۹) و سبک دلبستگی ناایمن (بالبی، ۱۹۶۹؛ جنیفریو، ۲۰۰۹) نیز از علل شناخته شده در بروز خیانت محسوب می‌شوند؛ ولی به علت محدودیت در ابزار پژوهش، این عوامل مشخص نشد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود، استفاده از ابزارهای دیگر و پژوهش کمی نیز در این زمینه صورت گیرد و با تلفیق کار کمی و کیفی، نتایج جامع‌تری حاصل شود. با توجه به نمونه ۴۲ نفری، محدودیت تعمیم‌پذیری به نمونه‌های دیگر وجود دارد.

پیشنهاد‌های کاربردی

نتایج پژوهش‌ها (باس، ۱۹۹۷؛ شاکلفورد، لبلانس و دراس؛ ۲۰۰۰؛ هرتلین، تچل و پاپرسی، ۲۰۰۵؛ برند و همکاران، ۲۰۰۷؛ اسپیکفورد و همکاران، ۲۰۰۸؛ اشناپدر، باکوم و گاردن، ۲۰۰۸؛ فونگ، ونگ و تام، ۲۰۰۹؛ نایت، ۲۰۱۰؛ صالح صدق‌پور، ۱۳۷۷؛ بهرامی و رضوان، ۱۳۸۶؛ کاوه، ۱۳۸۷ و محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰)، نشان می‌دهد که پدیده خیانت آثار مخربی در پی دارد، بنابراین راه‌های پیشگیری از آن بیشتر از درمان اهمیت می‌یابد. به طور کلی، بر اساس پژوهش‌های قبلی (نچارپوریان، بهرامی و اعتمادی، ۱۳۸۷) می‌توان عنوان کرد که در برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج باید به اهمیت و نقش تعهد تأکید شود.

با توجه به نتایج محصله از پژوهش، می‌توان پیشنهادات زیر را برای کاهش خیانت ارائه نمود:

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که یکی از علل اصلی خیانت مردان، عدم رضایت جنسی در رابطه زناشویی می‌باشد که ممکن است، از اختلالات جنسی خود فرد یا همسرش نشأت گیرد. به طور کلی، عدم رضایت جنسی موجب می‌شود مردان اقدام به برقراری ارتباط فرا زناشویی کنند. برای حل این مسئله، می‌توان با فرهنگ‌سازی در جامعه برای مراجعه به سکس‌تراپی و مشاوره، گامی در جهت کاهش خیانت برداشت.

از علل اصلی خیانت زنان، انتقام و نارضایتی از روابط می‌باشد. با وجود اینکه از نظر قانونی و شرعی، مردان در شرایطی می‌توانند همسر دیگری داشته باشند، از دیدگاه زنان مراجعه‌کننده به دادگاه، این اقدام مردان نیز خیانت محسوب می‌شود. زنان مذکور، به علت ناامیدی از حمایت قانونی، با انتقام می‌خواهند حق خود را بگیرند که این مسئله آسیب‌های جبران‌ناپذیری را در پی دارد. در نتیجه لازم است مسئولین با در نظر گرفتن شرایط یاد شده، برای جلوگیری از متلاشی شدن خانواده‌ها، در قانون عقد موقت یا دائم تجدید نظر کنند.

ترویج ارزش تعهدمندی و بها دادن به حفظ کانون خانواده با ساخت برنامه‌های مناسب رسانه‌ای و اطلاع رسانی عمومی پیامدهای آسیب‌زای خیانت. با توجه به ماهیت خیانت که تحت تأثیر سه مقوله قرار دارد، کاهش آن مستلزم همکاری فرد، همسر و نهادهای مسئول در جامعه می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-----------------------------------|------------------------------|
| 1. Marital infidelity | 9. Open coding |
| 2. Conflicts | 10. Axial |
| 3. Homeless | 11. Context |
| 4. Convention at Content Analysis | 12. Intervening conditions |
| 5. Participants | 13. Categories of conditions |
| 6. Triangulation | 14. Interactive |
| 7. Method triangulation | 15. Outcome |
| 8. Participants | |

منابع

- بهرامی، ف؛ و رضوان، ش. (۱۳۸۶). عهدشکنی جنسی و عوامل روان‌شناختی آن، مجموعه مقالات مشاوره خانواده و ازدواج پنجمین سمینار انجمن مشاوره ایران، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- ثنایی‌ذاکر، ب، و باقریان‌نژاد، ز. (۱۳۸۲). بررسی ابعاد نارضایتی زناشویی زنان و مردان متقاضی طلاق در شهر اصفهان، فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی، (۱۵)، ۶۱-۷۸.
- خدمتگزار، ح، بواله‌ری، ج، و کرملو، س. (۱۳۸۷). بی‌وفایی همسران: روش‌های پیشگیری و رویایی با بی‌وفایی، تهران: قطره.

- سودانی، م؛ و شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۸۷). مقایسه اثربخشی زوج درمانی الیس به صورت انفرادی و توأم در کاهش تعارضات زناشویی. *فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، ۳۷(۱)، ۲۰-۱.
- سهرابی، ف؛ و رسولی، ف. (۱۳۸۷). بررسی رابطه سبک دلبستگی و روابط جنسی فرا زناشویی در بین زنان بازداشت شده در مرکز مبارزه با مفاسد اجتماعی شهر تهران، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴(۲)، ۱۴۳-۱۳۳.
- شعاع کاظمی، م؛ و مؤمنی‌جاوید، م. (۱۳۹۰). دیدگاه‌های نظری خیانت زناشویی و بهبود روابط با تأکید بر راهبردهای عملی مشاوره‌ای. تهران: آوای نور.
- صالح صدق‌پور، ب. (۱۳۷۷). بررسی عواملی که منجر به اختلاف خانوادگی و طلاق می‌شود. *فصلنامه اصلاح و تربیت*، ۴(۳۹)، ۳۰-۲۶.
- عبدی، ا. رحیمی، ز. کریمیان، ن؛ و بهمنی، ب. (۱۳۹۰). بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی با تعهد زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های تهران. *اولین همایش ملی روان‌شناسی و خانواده*.
- علی‌تبار، هادی. قنبری، س. زاده‌محمدی، ع؛ و حبیبی، م. (۱۳۸۷). بررسی روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرا زناشویی، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۰(۳۸)، ۲۶۷-۲۵۵.
- کاپلان، ب. ج. و سادوک، و. آ. (۱۳۸۷). خلاصه روان‌پزشکی، جلد دوم، (رضاعی، ف)، ویرایش دهم، تهران: ارجمند.
- کاوه، س. (۱۳۸۶). *همسران و بی‌وفایی و خیانت*، تهران: سخن.
- کلانتری، ع (۱۳۹۰). بررسی تحولات نرخ طلاق در کشور طی سه دهه اخیر و تبیین‌کننده‌های اقتصادی اجتماعی آن، *کارفرما: شورای فرهنگی اجتماعی زنان*.
- گلسر، و؛ و گلسر، ک. (۱۳۹۰). *ازدواج بدون شکست*، (خوش‌نیت نیکو، س و برازنده، ه)، مشهد: فرا انگیزش.
- لیندلف، ت؛ و تیلور، ب. (۱۳۸۸). *روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات*، (گیویان، ع)، تهران: همشهری.
- محسن‌زاده، ف. محمدنظری، ع؛ و عارفی، م. (۱۳۹۰). «مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق». *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ۱(۵۳)، ۴۲-۷.
- میرزایی، م. (۱۳۸۴). طرحی از مسائل اجتماعی با تأکید بر مسئله طلاق و روند تغییرات آن در ایران، *فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۴(۱)، ۱۱-۲۴.
- نجم‌پوریان، س. بهرامی، ف؛ و اعتمادی، ع. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش تعهد پیش از ازدواج بر بهبود ویژگی‌های تعهد در دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴(۱۳)، ۶۸-۷۷.
- یوسفی، ن. اعتمادی، ع. بهرامی، ف. احمدی، ا؛ و فاتحی‌زاده، م. (۱۳۸۹). مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در همسران مطلقه و عادی به عنوان پیش‌بینی‌کننده طلاق، *فصلنامه روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۶(۱)، ۳۳-۲۱.

- Atwood, J. D., & Seifer, M. (1997). Extramarital affairs and constructed meanings: A social Constructionist therapeutic approach. *American Journal of Family Therapy*, 25(1), 55-74.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss: Attachment*. London: The Hogarth Press and Institute of Psycho Analysis.
- Brand, R. J., Markey, C. M., Mills, A., & Hodges, S. D. (2007). Sex Difference in Self-reported Infidelity and its Correlates. *Journal of Sex Roles*, 57(1), 101-109.
- Buss, D. M., & Shackelford, T. K. (1997). Susceptibility to infidelity in the first year of marriage. *Journal of Research and Personality*, 31, 193-221.
- Cano, A., Christian-Herman, J., O'Leary, K. D., & Avery-leaf, S. (2002). Antecedents and consequences of negative marital stressors. *Journal of family therapy*, 28, 145- 151.

- Corbin, J., & Strauss, A. (2007). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory* (3rd Edition). USA: SAGE Publications.
- Dijestra, P., & Barelds, D. P. H. (2008). Self and partner personality and responses to relationship threats. *Journal of Research in Personality*, 42(1), 1500–1511.
- Elo S, Kyngns H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of Advanced Nursing*. 62 (1), 107-115.
- Fisher, T. D. (2007). Sex of experiment and social norm effects on reports of sexual behavior in young men and women. *Archives of sexual Behavior*, 36, 89-100.
- Fung, S. C., Wong, C. W., & Tam, S. M. (2009). Familial and extramarital relations among truck drivers crossing the Hong Kong-China border. *Journal of Sex Marital Ther*, 35(3) , 239-44.
- Glass, S. P., & Wright, T. L. (1999). *Reconstructing marriages after the trauma of infidelity*. In W. K., Halford & H.J. Markman, (Eds), *Clinical handbook of marriage and couples interventions*. New York: John wiley & sons.
- Graneheim, U. H., & Lundman, B. (2004). Qualitative content analysis in nursing research: Concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Journal of Nurse Education Today*. 24 (2) 105-112.
- Harris, C. R. (2003). Factors associated with jealousy over real and imagined infidelity: An examination of the social-cognitive and evolutionary psychology perspectives. *Journal of Psychology of women quarterly*, 27(1), 319-329.
- Hertlein, M., Wetchler, L., & Piercy, P. (2005). *Infidelity: An overview*. The Haworth press, Inc.
- Hsieh HF, Shannon S .(2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Journal of Qualitative health research*. 15(9), 1277-1288.
- Jeanfreau, M. (2009). *A qualitative study investigating the decision-making process of women's participation in marital infidelity*. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Ph.D.
- Knight, A. (2010). *Gender differences in defining infidelity*. A thesis presented. In partial fulfillment of the requirements for the degree master of arts.
- Lewandowski, G. W., & Ackerman, R. A. (2006). Something's Missing: Need Fulfillment and Self-Expansion as Predictors of susceptibility to Infidelity. *The Journal of Social Psychology*, 5, 1237-1269.
- Lytton Tholl, D. (2003). *Completed her dissertation on the topic of extramarital affair*. Ph. D. Dissertation.
- Marshall Martin N. (1996). *Sampling For Qualitative Research*. *Fam Pract* , 13 (6), 522-25.
- Nichols, W. C. (1988). *Marital therapy: An integrative approach*. New York: Guilford Press.
- Nichols, W. C., & Everett, C. A. (1986). *Systemic family therapy: An integrative approach*. New York: Guilford Press.
- Orzeck, T., & lung, E. (2005). Bif-five personality Difference of cheaters and Non-cheaters. *Urrnt psychology: Developmental. Learning. Personality. Social*, 24(4) , 274-286.
- Pitman, F. (1989). *Private lies: Infidelity & betrayal of intimacy* . New York :W. W. Norton & Co.

- Plaat, R. L., nalbone. D. P., Casanova. G., & Wetchler, J. L. (2008). Parental Conflict and Infidelity as Predictors of Adult Children's Attachment Style and Infidelity, *The American Journal of Family Therapy*, 36(1), 149-161.
- Platts, H., Mason, O., & Tyson M. (2005). Early maladaptive schemas and adult attachment in a UK clinical sample. *Journal of Psychology and Psychotherapy: Theory Research and Practice*, 78(1), 549-564.
- Rusbult, C.E., Olsen, N., Davis, J. L., & Hannon, P. A. (2001). Problem-solving conversations in marriage: Does it matter what topics couples discuss? *Personal Relationships*, 10(1), 97-112.
- Shackelford, K., Leblance, G., & Dress, E. (2000). Emotional reactions to infidelity. *Journal of Cognition and Emotion*, 14(5), 643-659.
- Shakelford, T. K., Buss, D. M., & Weekes-shakelford, V. A. (2003). Wife Killings Committed in the Context of a Lover's triangle. *Basic and Applied Social Psychology*, 25(1), 137-143.
- Snyder, D. K. (2005). Treatment of clients coping with infidelity: An introduction. *Journal of Clinical Psychology*, 61(1), 1367-1370.
- Snyder, D. K., Baucom, D.H., & Gordon, K. C. (2007). *Treating infidelity: An integrative approach to resolving trauma and promoting forgiveness*. In: Peluso PR, editor. *Infidelity: A practitioner's guide to working with couples in crisis*. New York.
- Stefano, J. D., & Oala, M. (2008). Extramarital affairs: Basic considerations and essential tasks in clinical work. *Journal of Counseling and Therapy for Couples and Families*, 16(1), 13-19.
- Stets, J. E., & Hammons, S. A. (2002). Gender, control, and marital commitment. *Journal of Fam Issue*, 23(1), 3-25.
- Streubert Speziale H. J. , Carpenter DR. (2007). *Qualitative Research in Nursing*. 4th ed. Philadelphia: Lippincott Co.
- Treas, J., & Giesen, D. (2000). Sexual infidelity among married and cohabiting Americans. *Journal of Marriage and Family*, 62(1), 48-60.
- Wiederman, M. W., & Allgeier, E. R. (2011). Expectations and attributions regarding extramarital sex among young married individuals, *journal of psychology and Human Sexuality*, 8(1), 3-21.
- Zola, M. F. (2007). Beyond infidelity-related impasse: An integrated, systemic approach to couples therapy. *Journal of systemic therapies*, 26(2), 25-41.